



مرآت کائنات جی عالینک وراثت عوالمی

مکتب الفکر
مدیریت
مکتب الفکر

کتب الفکر عدلی

748



Söleymanîye U Kütüphanesi

Hasan Hüsnü Paşa

448

۷۳۸

۷۳۹

که سعادت و پادشاهی صاحب مقبولی و اجرای حق
 است و در معرفت مقبولی سعادت و آنگاه که همگان منطوری
 و در اینست که هر چه بیل آید که بنشیند سروری علی
 الملک ملک معنی و طهری و از باب معارف نامنه اولان
 مربی و دستگیری در نه آستانه سنده عین طبع
 کتابت آید و بنده یکی مد اصراری بگویند نظیر کند و آید
 الا ای پادشاه عالمک دستور دینی شانی
 بگوید استقامت با غنک سر و خرامانی
 صداقت نورنی عینله تا کم کور دی آنگاه
 من منظور آید و بگویند بر اقدی جمله ایانی
 صاحبک شکای ماه طلعت کو کن آید
 نوله شمسی که هم یک اوله خلل یزدانی
 سن اول مرد و جرس هر سوزک بریف قاطعه
 یا نندن شاه دور ملک جدا اولم سک ازانی
 فلان سرم مشارالیه دستور محترم و آصف بر سر و
 محترم دایما علم تواریخه رغبت و کچه راجع شریف
 نادر حکایت و آثار و عجایب و غایب قصص و حب

در اینست که هر چه بیل آید که بنشیند سروری علی
 الملک ملک معنی و طهری و از باب معارف نامنه اولان
 مربی و دستگیری در نه آستانه سنده عین طبع
 کتابت آید و بنده یکی مد اصراری بگویند نظیر کند و آید
 الا ای پادشاه عالمک دستور دینی شانی
 بگوید استقامت با غنک سر و خرامانی
 صداقت نورنی عینله تا کم کور دی آنگاه
 من منظور آید و بگویند بر اقدی جمله ایانی
 صاحبک شکای ماه طلعت کو کن آید
 نوله شمسی که هم یک اوله خلل یزدانی
 سن اول مرد و جرس هر سوزک بریف قاطعه
 یا نندن شاه دور ملک جدا اولم سک ازانی
 فلان سرم مشارالیه دستور محترم و آصف بر سر و
 محترم دایما علم تواریخه رغبت و کچه راجع شریف
 نادر حکایت و آثار و عجایب و غایب قصص و حب

و مقنوب اخذ عبرت بیور طری لکن حضرت آدم صغی دن
 اول یار دیلمن کمونات اول کتاب کرده بیان و مقنوب
 فرضا یکدن تصنیف اولنده اول حضرتک طبع بر فیکر
 تمام باطل الق و هر اوقه که کند و لره بر کونه دانش
 و معرفت حاصل اولوب ایشمد کلری تحقیقاته
 و قوف بولق مقرر بلکل **بوحقیر عالی شهر** بوباده
 ذیل منتهی شمر ایدم و بوضوحه ایکی فصله مودی
 بر ساله تحریر ایدم یعنی فصل اولنده خلقت نوز
 محمدیدن حضرت آدم یار دله و غی زمانه کلخه واقع اولان
 موجوداتی روایه تحمل تبطیر ایدم و فصل ثانی
 حضرت آدم صغی صلوات الله علیه خلقت فیضه کرده
 متحقق اولان مکات و کمونات و بین الانبا علیهم السلام
 قرنا بعد قرن ضبط اولنو کلن تواریخ مختلفه الروایاتی
 واضح عباراته تقریر ایدم و بوسایه **مرآت العوالم**
 لفظی نام و پذیر ایدم ربنا شرح فی صدر و لیری امر
فصل اول
 موجودات و کمونات احوالی رتدر حق المیه که

در اینست که هر چه بیل آید که بنشیند سروری علی
 الملک ملک معنی و طهری و از باب معارف نامنه اولان
 مربی و دستگیری در نه آستانه سنده عین طبع
 کتابت آید و بنده یکی مد اصراری بگویند نظیر کند و آید
 الا ای پادشاه عالمک دستور دینی شانی
 بگوید استقامت با غنک سر و خرامانی
 صداقت نورنی عینله تا کم کور دی آنگاه
 من منظور آید و بگویند بر اقدی جمله ایانی
 صاحبک شکای ماه طلعت کو کن آید
 نوله شمسی که هم یک اوله خلل یزدانی
 سن اول مرد و جرس هر سوزک بریف قاطعه
 یا نندن شاه دور ملک جدا اولم سک ازانی
 فلان سرم مشارالیه دستور محترم و آصف بر سر و
 محترم دایما علم تواریخه رغبت و کچه راجع شریف
 نادر حکایت و آثار و عجایب و غایب قصص و حب

۳
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰

[illegible]

[illegible][illegible][illegible]

کونوردی بر سر
 مغالی ای که غوغا
 اید و خاله قدح
 سخن بگو
 آدم غوغا ناید
 قل از کلام
 جان از کلام
 مظهر غوغا
 الی غوغا
 حق تعالی ای که
 و فضیلت او
 برافزاید
 بشود این
 نشان یک
 در سینه

حضرت موسی صلوات الله علیه و علی نبینا مناجات
ایست و کی زمانه یار بی آدم پیغمبر قوی خلق استبداد اول
نه کار او زره ایک دیو اول افرینشدن هوال حکمت
ایست که خطایب مستطاب و جواب با صواب بود و جمله او
اولدیکه یا موسی چونکه بود و دیگر صورت دیک و حکمت
بلکه روا کرد یک اندی مقرر پیل و بوسه بکنونی عتک
یست و گفته کوره او را یک قیل که انواع مخلوقات و ام
مکوناته جمله دن اول نور محمدی بی یار تدم اندن
مخلوقات موفوره و اراضی و جبال معمور و ایله پیک
عالم خلق ایدوب هر عالمه اللی پیک پیل عمر تقدیر اندم
بو منوال او زره سر اللی پیک پیل که تمام اولدی انک
منصو عالی غایت و نهایت بولدی فلاجرم
بعده حشر و نشه لری کوریلوب بالکله خراب مغدم
قلوب برار سین غیر سنی کتور دم تا که پیک عالم
الیشتر یک سیلق بد تله کلدی و کندی و مخلوقاتک ثومون
کافری معلوم اولوب هر بری مقدر اولان شری

یتدی اندن صکره او کو خوشکله مشابه مجملہ الصو
بر قوم دخی خلق ایدم الی پک یل دخی کا تعین ایدم
سیط ارضی تمام سور ایلدیر لکن عصیا و طغیان
اوزره اولو بابت و آسایشه عبادت مشغول اولدیر
بن آ علی ذلک جمله سنی هلاک ایتدم و اول غضب ایلد
ینه الی پک یل عالمی ضرب بیاب ترک ایتدم
بعده جمله دنیایی دریا ایلوب پک یل تمام بر یوش
بحر متواج اولدی ایلنده و نمانده نه آخر مخلوق
بولندی و نه کمنه اول دریا دن خف ع بولدی اول
یل دخی تمام اولد قد صکره بر او کو خلق ایتد که اول
بی کرانی بر بردق صوبکی برا و غور دن یوتدی بعده کلک آن
بیکوت بال ارمی قدره بر مخلوق بار تدم اول او کو
اندره خدا تعین ایدم و کند و له اختیار خیریه ویر
کفر و اسلام مزاج سنی بلور دم تمام چونکه الی پک
یل اولدی اول او کو زینوب غدری نهایت بود
مع هذا عصیانم می شتد و کفر و انحرار لر می شتد
اولیغله آنلری دخی هلاک ایتدم وینه جانی عالمی

مفتی

کلمه بر کند پیرانند صکره یا موسی آدم پیغمبری خلق
ایله که سنگ جد کرد و پیغمبر لک نجیب الظاهر
اولید و محمد علیه السلام که نیم جیسمد و پیغمبر لک
سوری و آتش اکل و اجل فضیله رانک
نسلدن ظهوره کلجکلی لکن نور محمدیدن خلق اولکند و
وابتداء آفرینش من مقصود است اول اید و کنه
آدم و بحث ایدم ندای مستطال به جواب باصوا
جناب رب الاربابدن حضرت موسی علیه السلام
دار دادله فقه بلیکه حضرت صانع یزدان بر مقتضا
کلن یوم هوفی شان هزاران هزار آفرینش علیه
بر کردگار استعان و دیان در که کنی ابله بلندن
منته و بری و ذات باری بی کما هو بلک
هوسنده اولس اولی و آتش می یوق بر بادیه
سرسه ای اید و کنه ریب و کمان یو قدر است
اما اتفاق آراء حکما و اعتقاد فیلسوفان عقلا بونک
اوزیرینه در لک که حتی سبحانه و تعالی اولابر جوهر
بسیط یا ندی که علماء حدیث و تفسیر و فقهاء

اهل سنت روشن ضمیر اول جو ہرہ قلم دیر لرختی سید
 سند عالم صلی اللہ علیہ وسلم **اول ما خلق الله**
 بیورد قلمی اول تر مہد راما حکما کا عقل مجرد
 اطلاق یہ وب **اول ما خلق الله العقل** حدیث کثرت
 قیلور لہر و لکن متصوفین و اہل حال علوم لدنی نظام
 اولان احباب کمال اندن مراد **روح محمدی** در دینو
اول ما خلق الله روح خاتم النبیین کل طیب سلبہ
 تہ قیلور لرختی جملہ انبیا و مرسلین کسبہ سار
 مینصوری **اول ما خلق الله روحی و نور** ی ذی
 خبر ویر طری انکرا کلامی مؤید در و بر جو ہر آخر
 دخی خلق اول نمشد کہ اولی کبھی جو ہرہ اہل سنت
 و جماعت **روح** دیر لر و حکما **نفس کل** دیر لر بعقل
 جو سوا ولہ آدم معنی و جو ہر ثانی یہ حوای معنی دیر
 پس مدی اولی کبھی جو ہر بدن عقل و نفس کل
 پیدا اولدی و اول عقل و نفس **کل** اول
 ظہورہ کلدی کہ پیغمبران و مرسلین اول فلکہ **عرش**
برین دیر لر اما حکما **فلک اطلس** اطلاق یلد طیر و

[illegible]

چو کوبه سن بوزار ددو کجف
 مکرانه نون بوزار ددو کجف
 خاصه بوزار ددو کجف
 فلک اولاد بوزار ددو کجف
 بوزار اولاد بوزار ددو کجف
 د بوزار اولاد بوزار ددو کجف
 بوزار اولاد بوزار ددو کجف
 بوزار اولاد بوزار ددو کجف

طبعی
 اولی
 کبریا
 هدم
 عالی
 قصد
 صدق
 فاعلی
 نیک

فهم و عقل و درگاه به و نین
ریش او در که او در حق و ظیل
ای دل از صاف و دل و دل
جمله درین زمانه و دل و دل
و کلمه و دل و دل و دل و دل
صاحبی و دل و دل و دل و دل
که در می بیند و دل و دل و دل

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

و مشهور است که اولی ماه فروردین در خاستن تاریخ
عبریه مطابقه یهودا که است بارید لر و انکات تاریخ
المخلفه و حتی در باره است هسی لیل اثین در که بنی است
و یکرمی و رت دقیقه کجش اوله زیر از غلری بود در کمن
سبحانه و تعالی عالمی احد کونی خلق ایدوب و هشت
آدمه نفع ز روح یوم جمعه نک ساعت سادس سنده
واقع اولوب اجتماع نیز جنسی الیه بعض ساعت استفا
ایدوب و لیالی و آیامه ابتدا فرض الیوب لیل اثین
رأس تاریخ طور لر و اندن بروسی حساب ایدر
بونکرک عدد آیام سنو سی و چوز التی و در کون
و سکر ساعت و سکر نورتمش التی دقیقه در که ریح
و تقویمه متعلق کتاب المنخب فی احوال العجم و العرب
فصوله بویل بیان و النشره شد کحد بوساله تحریر
غایتن بولدی و فن تواریخ کتب مد و سنده
تفصیل بر بوسر فاج و رفته متحقق اولدی رجاء مؤلف
حقیر و دلر که هر اوقه قهر و حسی بر فاکتة شریفه الیه
شاد الیه لر حق سبحانه و تعالی نک رحمنی و رسولک

فانی بی بی غنی و حاصل و نور
 یوگیند او لے زنی و قابل و نور
 فانی بی بی کنے اور قصیدہ
 اولیئہ بی بی زینبہ و طبعی
 ملا کا جیاد و دیدی بعض
 وہ الہ اور قابل
 سید

ختم و سینه و آواز و قبل
 و خست و غم و دل و دل
 ناله و بی و غم و دل و دل
 بالدری و غم و دل و دل
 بی خاف و دل و دل و دل
 او کجی و دل و دل و دل
 ز قی و غم و دل و دل
 کشت و دل و دل و دل
 ای بی و دل و دل و دل
 جو و دل و دل و دل
 کوه و دل و دل و دل
 آ و بی و دل و دل و دل

هـ کلام محترمه معاونت و تسامحی ناظم لائل
 کفاریله اول عبد دین دار و بنده برهین کارا ذریع
 اولسون که بورسله بی تحقیق ایدرک او قویه حضرت
 حق قدرت بی انتہاسی ذکر اولان کونامه ادرک
 ایلموب طویه و عتقاندہ شک و ریب اولموب
 کمال یقین و اطمینانله بآثاری تصدیق قلم و خستام
 قواءده رجا اولان فاتحه شریفیه بی مصنف
 روحندن دربع قلمه و کتابیله
 و محرر مقاله بغیمی کنگار
 نواب فاتحه شریف
 حضرت
 و بیغ
 نیت

نت الرسل في غزير سبع الاوامر وتبين بعد الامور

بعض حواشید نقل اولان فواید در
 خلی و لیه که در در سبیله بدی یک یلده و انید
 ظهور نوع بشر در وقت مکافات خیر و شر یعنی عالم
 بدی یک یلده که فی التواریخ **آما بهجة التواریخ**
 ابتدا ظهور حضرت آدم بن حضرت محمد مصطفی علیه السلام
 زمان سعادت طریقه دکت اولان که در روایات مختلفه در
 بحسب روایتی که یک یلده و تیش یک یلده و بی ایل
 روایتی که نص نور اورد و درت یکا و چوز فرق یلده
 در سال روایتی که بش یک طغوز نور تیش یک یلده
 آما صح روایت ابی جهم حضرت رسول اکرم علیه السلام
 عبد الله بن عباس رضی الله عنهما تواریخ التی یک تیش یلده
 و الله علم بحقیقه الحال **که فی نتیج الفنون**
 حق سبحانه و تعالی حضرت دنیای فانی به تقدیر است
 بدی یک یلده هر یک یلکه اسند شفعه عباد
 الضعفاء بجزات باهره و آیات ظاهره صافی سخی طاعت
 و لایق خلافت بر بنی کوند و یک کند و ذاتک صفات
 سینه منظر اولوب و امر و نواهی سن خلافت است

باز در هر یک سوره که در خط اول
 کلامی که در سوره بر او است
 انفع و فضل و از سوره
 اول و در هر یک از سوره
 معتدل و لونی صادر و اول
 در بطاش اول و لونی
 اول و اول و لونی
 طاش کویک اول و لونی
 اول و لونی و لونی
 یاره اول و لونی
 قات قات اول و لونی
 و بعضی مد و بعضی کوی
 اول و لونی و لونی
 اول و لونی و لونی
 بنده زبون و لونی
 و سبکی مقبول و لونی
 اول و لونی و لونی
 زه ناک جانور و لونی
 اول و لونی و لونی
 نافع و تقیه و لونی
 هر کون و لونی و لونی
 زوب و لونی و لونی

باز در هر یک سوره که در خط اول
 کلامی که در سوره بر او است
 انفع و فضل و از سوره
 اول و در هر یک از سوره
 معتدل و لونی صادر و اول
 در بطاش اول و لونی
 اول و اول و لونی
 طاش کویک اول و لونی
 اول و لونی و لونی
 یاره اول و لونی
 قات قات اول و لونی
 و بعضی مد و بعضی کوی
 اول و لونی و لونی
 اول و لونی و لونی
 بنده زبون و لونی
 و سبکی مقبول و لونی
 اول و لونی و لونی
 زه ناک جانور و لونی
 اول و لونی و لونی
 نافع و تقیه و لونی
 هر کون و لونی و لونی
 زوب و لونی و لونی

و مقرر قیل بر حسن سینه جزا و عقاب ذاتی باری
 معرفتی ایجاباید و معرفت مجازی بی محافه ایچون
 معبودی مذکر عبادات منکره و منع اولندی صلوات
 خمس کبی و صوم کبی که دینا ده سبب بفع عظیم و خرد
 باعث اجر جزیل و له و هر غیر معبود اوله و غنی و درده حکم
 اولان کو یک طبعه منسوب قلندی الف اوله
آدم صلی صلوات الله علیه ارسال اولندی زحمت
 وار در بعد شت علیه السلام و در آده سالت کرم
 الف شایده **ادیس بنی** ارسال اولندی که شری یه
 انچه صحف آسمانی دن او نور صیغه منزل اولندی الف
نوح بنی صلوات الله علیه ارسال اولندی که مریخی
 هو دینی قوم عاد و ایش و ایچون بود و درده ارسال
 اولندی و حصل ابن صفوان بود و درده عنوان رسالت
 قلندی الف رابعه اب رجم حضرت **برایم خلیل**
 اولدی بنی مرسله رکن سرانیده اب رجم دیکر
 انسانی شمش در ذوالقرنین بود و درده حضرت
 کرم الله وجهه راجل صالح در دیدی عکرمه رضی الله

باز در هر یک سوره که در خط اول
 کلامی که در سوره بر او است
 انفع و فضل و از سوره
 اول و در هر یک از سوره
 معتدل و لونی صادر و اول
 در بطاش اول و لونی
 اول و اول و لونی
 طاش کویک اول و لونی
 اول و لونی و لونی
 یاره اول و لونی
 قات قات اول و لونی
 و بعضی مد و بعضی کوی
 اول و لونی و لونی
 اول و لونی و لونی
 بنده زبون و لونی
 و سبکی مقبول و لونی
 اول و لونی و لونی
 زه ناک جانور و لونی
 اول و لونی و لونی
 نافع و تقیه و لونی
 هر کون و لونی و لونی
 زوب و لونی و لونی

بنی اولسی از محمد دیدی و حضرت لوط و اسمعیل و
 اسحاق یعقوب و یوسف و ایوب و شعیب علیهم
 السلام بودند و در ده بنو تله بعث اول شد در الف
 خامسه **موسی کلیم الله** علیه صلوات الله تبلیغ رسالت
 قلندی زهره یه تا بعد از زاویه فاده عمر مقداری
 یوزیکرمی یلدر حضرت خضر علیه السلام بعضی خلعت
 بنو تله مغز قلندی و بعضی طراز و لابلطه مطر از او
 دیو سبر و بر شل و بوشع بن نون بنی و الباس بنی
 و داوود بنی و سلیمان بنی و لقمان حکیم بعضی سحر
 دید بلر و بوشع و غیره و دایان زکریا علیه السلام
 بود و در کتب انبیای مرسلین در لز و یحیی بن زکریا
 علیهم السلام دخی بودند و در کارهای نفسی ابله جادید
 و قوت بنیسی جسد ادایدی هزار سال پیش که اوج
 باشند و ایکن تو را می از بر قواست اید و بن
 صیای بعث شدن اول هدایت اولمشد ز فاکه
 بر عورت در که ارمیل ویر لیدی تمیش انبیان در حشر
 مقتولی یکبار در دمنفده مقتولدر **و ایت اولنو**

بخت نصر دشمنی ستفراشته که حضرت یحیی کافانی
 جراین اوزره بولوب تمیش یک نفر شخک فانی و کوب
 خون یکجا سکون بولدی بوزرتیب اوزره ظهور مویا
 بعث عیسانک علیهم السلام هبینه بنی مبعوث یک
 بنمبر در دیشل الف سادسه **عیسی روح الله**
 علیه السلام ساعه نبوته قدم باصدی بنی عطارده
 ابن جوزی ایدر مبوط آمدن صعود عیسی علیه السلام
 کلنجه بش یک شیوز الله یکی یلدر و زمان قمرت که
 بعث رسول و لند و عی مدتر در ورتوز او توزد
 یلدر ویر لیدی **حبيب بنجار** و **جر حیس** دور عیسا
 علیه السلام در و خالد بن سنان زمان قمره
 بنوت عنوان بولشد و صلوات الله علی انبیای علیهم

در بیان سیارات سبعة

شمس بعد اگرد دوری بر سیله او و چوز الشمس التي کون
 سبری مشرق دن مغرب در و قال کلن فی او چوز الشمس
 بیک تمیش ورت میلدر معظم کو کبر کو کده با دنا
 کسیدر سایر یلدر لاکا کاشکر کسیدر و قمر ویر

مشابه سنده در عطار دکاتب مقامند در زهر
خدا م قبیلند در مرغ سیاه خنده در مشتری قاضی
حکمند در زحل خزینه دار لوی مرند در کوکب اقایم
مانند بروج شهر لمانند در درجات کوکب
کسبید و شمس و ردیحی فلکده در اگر دخی یوقوه
اولیدی مخلوقات صو و قدن هلاک اولوب اگر
دخی اشغده اوله صارتیله کاینانی احراق ایدنی
دوری یوز آلتش آلتی درجه و قطری قرق برنیک
طقوز یوز طفن سکر میلدر سبحان الله
زهره سعد صفر در عطار دکسبید سیرده دور
اوج یکیدی یوز طفن نش میلدر اهل هوایه
جرمی کره ارضک او توز دورت جزدندن بر خور
قدر در قطری دور توز طفن دورت میلدر
هر بر جده بکرمی طقوز کون طوز سبحان الله
عطار دسیری مغربن مشرقه در دوری او خور
سکان سکر میلدر طبعی معتدل و متمر جدر یعنی
سعدیه سعد و خسل بخند جرمی کره زمینک

بکرمی بخوندن بر خوروی قدر در قطری بکوز آلتش
میلدر هر بر جده بکرمی یدی کون طوز در
واهل دیوانه منسوبدر سبحان الله العلیم الحکیم
مشتری سعد اکبر در کرم و تر در جمیع بروج
اون بر یلده و اون آیده و اون بش کونده دور
دوری بکرمی یک السیوز او توز آلتی میلدر
عوام ناسه منسوبدر جرمی سکان کره کره زمین
مریخ کحل اصغر در طبعی کرم و خشک در جمیع
بروجی بر یلده و اون آیده و بکرمی کونده دور
ایدن دوری او چوز تیش آلتی یک طقوز یوز
سکر میلدر بشیخی فلکده در اهل فاده منسوب
جرمی بر بوجی بر قدر در قطری یوز یک و سکر
او توز میلدر هر بر جده قرق کون طوز
نقل عن احمد بن حنبل علیه رحمه الرحمن

جامع الحکایات نام توار یخده مذکور در

حضرت عمر الفاروق رضی الله عنه خلافتی زمانه
هجرت رسول علیه السلام آمدن او تو زیل مرور است
اول تار یخده ولایت عجم پادشاه اولان بزرگوار
ابن شهریار بدی حضرت سعد بن ابی قاص سردار
تعیین اولنوب شاه عجم اوزره کوند ریلوت و قد
عسکر اسلام شکستنه تحمل آید هیو بتاج بخشن
رکت آید و بمر و جانبسته فرار آید و بملکن
عسکر اسلام ضبط آید که شهر دان کو پرستی آید
بر یو کلی دوه بولد یل اوزرنده ایکی ضد و قله ضد و قله
آچدیلر کسرنیک بر کو ملکن بولد یلر انجوا یله بزمش هر بر
انجو سرجه پیرته سی قدر وار بدی و سایر جواهر الیه
بر کوچه و بکر می دانه بوزک که جمله سی با قوت و لعلدن
ایدی و بر تاج جعد که یوقیت آیدار و لعلهای تابدار یله
مرصع اولمش داودن جامه دیبای زر بفت و خربنده
سلاح کسردین زره و تولعه و قوچن زره و سیم
و لعل و با قوت یله عظیم بزمش ابدی و آلتی کیم داددی

زهره آینه که هر بر بدی بر پادشاهن یاد کار کنش
ایدی و طوقور قبضه شمشیر هر بر نیک اوزرینه
رویدن و عجم قنغی پادشاهک ایدیه ناطری یار لیسید
و دیبادن بر بسات بولد یلر تیش ذراع ایدی جمله اطراف
انجوا یله تریمن الیشل ایدی و اکارنستانی دیر لید
خران زمانه مخصوص او ب دوشنور ایدی و برشل
بساط دخی انجو و سایر جواهر یله شویله تریمن الیشیدی که
کورن تازه اچلش کلر صا نوردی و پنجه شیشه طوطلو
نجر کافور و بوکا بکر ز تحک نهایی یوق ایدی بونکر
هسج پریند غزاته ربع و خمس النیوب مهری ایل
حصور حضرت عمره هزار و باقی غنایمی قسمت آید یلر
غزاة الشمس یک ارایدیله هر برینه اون ایکنشیک
اچقه حصه دوشدی و ارسال اولان نجفی حضرت
عمر رضی الله عنه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و
قول شیرغی و زره که خرا این کسری مدینه نقل اولدیو
بیوریش ایدی مسجد ده قیوب اصحاب کرامی جمع آیدو
اول تحفه لری بپسندنده قسمت آید یلر حضرت علی

کرم الله وجهه پیور ربهم الوه اول اقمته دن بر
 قماش کمرش ایدی بر بازو کانه یکرمی یکم فحیح
 ایتدم **راوی** شویله رویت ایدر که چونکه اطراف عالم
 خوشه شایع اولدی جمله بازو کان و تجارت طایفه
 مدینه منوره به آقوب کلوت و کلندر دن مسکاب
 محروم و دنیوت هرکس اول جوهر و امتعه دن بهر
 اولدی حضرت **سعد بن ابی قحس** حضرت عمر رضی الله عنه
 جنبه یازد و عی نامه ده عساکر اسلامک استقامت
 خصوصه شویله یازد دیکه بو قدر غایم که جمع اید
 کتور مثل در اصلا و قطعاً برکنه بر حبه به خیانت کما
 چون بونا نه علی ملاء الناس و قوندی جمله سی خضر عمر
 و عار و نال ایتدیله و حضرت علی کرم الله وجهه
 پیور و یکم بو عساکر اسلامک مانت و دیانته صبیح
 یا عمر سنک حسن اعتقاد و اعتماد و دیانته نذر و دنیا
 دنی به عدم انقیاد و اتفاق کد نذر و فتوحات ماه
 صفر آخرت دن السجی کونده واقع اولمش
 و حق سبحانه و تعالی ایام خلافت عمرده تمام غنائ

و شام و بحرین و عمان و بعضی و مک اطرافین
 توفیق کرد کاریله فتح اولمش و شهر بصره و کوفه
 شهر فی حضرت عمر رضی الله عنه بنا ایتمش و الله اعلم

بیت مسجد الحرام

مسجدی انی قولنایدن حضرت عمر ابن الخطاب
 رضی الله عنه که ایام خلافت سده خلق کعبه بی تقصیر
 ایدوب بیوتنی کعبه الصاق و ایصال ایتدیله و حضرت
 عمر رضی الله عنه دیدیکه کعبه بیت الله ربو کاسعت و فضا
 لازم در و اول بیوت اطراف اصحابندن اشترا ایدوب
 و وسعت حرمی زیاده ایدوب بر آدم بویی قدر در
 چکوب مسجد اتخا دایتدی اندن صکره حضرت **عثمان**
 رضی الله عنه اول یواری از دیار دیله رفع ایتدی بعد
 حضرت **عبد الله بن مسعود** رضی الله عنه اول یواری
 رخام ستون طریقه اتفاق ایدوب و ابوبن زیاده
 ایدوب دیوار مسجدی تیزین و تحسین ایتدی بعد
 بنی امیه دن عبد الملک ابن مروان حیطانن زیاده
 ایدوب سوارئی مسجد کحرمی مصر دن دریایله حده

و جده دن کا دلره بولکل و بکجه کتوردی و حیطان
 منم ایتدی و پیت آتد کرامه **حجاج بن یوسف** کسوه
 کیوردی و سکره بنی امیه دن ولید بن عبد الملک
 کجه مک حلی سنی زیاده ایتدی بلاد اندلسی فتح
 ایتد که مدینه طلیطله ده سلیمان بنی علیه السلام
 اتوندن مایه سنی بولدی که یا قوت و زبرجدن
 طوقلری و ارایدی اولایده دن کجه مک حلی سنی
 و سنی بنی اشکد و ترین ایتدی و بنی العباس
 منصور و او غله مهدی اتقان مسجد کرامی زیاده ایتد
 هیشنی تحسین ایتدی و الا آن طول مسجد کرام اوچوز
 یتمش ذرا عدد و عرصی اوچوز اولش ذرا عدد و مسجد
 اکرامک جمله ستونلری دور تیونا و تونز دور
 عدد در که بنا مسجد اکرامک تقصیری سبیل
 و سبعین و شمایه مجیده تالیف اولنان انار البلاء
 نام کتابد نذر **فتی** **من معالم السیاح**

قواعد النسخ **الحمد لله**

و بشردر که هر کس که دورت سنه به مرکب
 لازمدر که دورت سنه مرقب اوله **اول** کیمیه
 عالم اوله غفریب ظلمایا که جازم اوله **ثانی** کیمیه
 صحبت زنانه صریح له فیهی مقرر بلک که **ثالث** کیمیه
 اکل طعامه شمره اید هر من یله مستنظر **اول** **رابع** کیمیه
 وزیرای ربیکت رای و پخرده اعمال ایلیمه ملکدن قطع
 ایتمک کر که **زبر** **س** **لغده** **فر** **بوز** و کتب
 مسطور در که التی کمنه التی سنه دن قطع هیب ایتمک
 و انک حصولدن مایوس اولوق حبس **اول** **پادشاه**
 شکار ثبات سلطنت **ثانی** **استکبر** و متهور
 ستایش و مدحتدن **ثالث** خلق بد خلق کثرت اجان
رابع کتبخ و بی ادب مرتبه غفلتدن
خام بخیل بی مروت حسن و ان نیتدن
سادس حریفین صنیعت و دیانت زیر که حص
 حریفی حرام اقدام ایتد و سریرده که حص و از خیمه
 اقامت قوره امانت و دیانت اول منزلدن

قوی هون و دور **دور** خسته بلی علی دلیلی دلیل کو بر
کشید عدا تیک گرا **اول** اول اشک محرق و منظر
شر ضرر و قلیل و کثیری بر در **ثانی** دین که وقت
مضایقه ده دین تقاضا است بر در عمل یک دنیا
برابر در **لش** مرض که هر چند که اخلاف مزاج ضعیف
اوله علاجه استیلاج قویدر **یعب** دشمن که نقد خوا
و بیقت دار اوله دانه مکر یک خصمی دام نقت حکمیکه

فادر در

مرخصت که توانگر له سبب مدح و محمد مد مفسد
در دست و پچاره له موجب قدح و مندر
مش اگر فقر شجاعت کو ستره تهویر حمل ایدر
و اگر **جیلیم اولور** حبه و ناتواند در دیر
و اگر **وقور اولور** کسلان و کران جاندر دیر
و اگر **بلاغت اظهار** مکنار و مگذار در دیر
و اگر **صمت و سکوت** یقینا و نقش یوار در دیر
و اگر **گوشه خموله اول** سغه و بسونه نسبت اولور
و اگر **کولر بوند اول** نزار جنون مشهم اولور

والا **عام** لباسه دلی جمله کلف کو ستره دن پرور
و اگر **لقم و خرقه قنات** له خسته لاغ دیوا یا تله نهر
و اگر **بر مقاصد** **مقیم** له خام و نایخت در دیر
و اگر **مسافرت** له سرشته و نخت برشته در
و اگر **تجده خست** **یار** تارک سنت رسول در دیر
و اگر **تمزق** **وج** **ایاب** بغض و کسیر شهوت در دیر
و اگر **زیرک** ماسوا ایدر سه هنوز ایدر و الحاصل
مرد محتاج ابنای زمان فتنه مردود و ولی
اولور و اگر بو حاله آندن شایه طمع دخی توهم و
قلوب آندن با بکله نفرت ایدوب عداوت پیدا اولور
جمع حبسی اکا انکار ایدر له و جمله اصحابی آندن
بیزه ارا ولوب مصاحبت نای عار ایدر له
حرص و طمع مورث لذت و فراغت و قناعت
غندز من طمع ذل و قناعت شمع **مصرع**
خواری ز طمع خستید و دغرت ز قناعت
والعارف یکنی الاشی
والحکیم به و ص

دوست وی و دشمن خوی اولان طایفه نک هستند
 جنت ناباید و با جاب خالص و اصی بخلص جنت
 شتاباید که بوالتی فصلت آریسته انما فصلت
 شایه قصور و محال هستند رایچه فتور اولیه
 اولکی فصلت بود که دوست نک بر عیب مطلع
 اظهارنی جایز کوریه **یکجی** بود که اگر برهنه
 کوریه آنی اون کوریه **اوچجی** اولد که اگر دوست
 احک ایتیه مقابله سنده اتمان ایتیه **دورد**
 دوستدن احک کوریه اکا نیانی روا
 کوریه **شجی** دوستدن خطا و ذلت مشاهد
 ایتیه ذیل غفو صفحیه **الستجی** اگر جرمه اعراض
 اید و با اعتذار ایلد شرف حسن قبولی ارزانی گو
بس هر کمنه که اوصاف مرقومه ایلد موسوم اولد
 بار صادق و غمخوار موافق و الا العیاذ باللہ که
 عکسی واقع اولور **س** مطلقا صدقت لیافند
 محرم اولد و بوقوله کمنه ایلد صدق کفایت

ند است منقصی ملاهی مقتضی اولد چون بونوع جاب
 فی زمانه کیا بدر لایس م ارباب تجار و مشاغل
 صدیق صادق و عنقا کمال مکان و رفیق موافق کمیجه
 بی امکاندر و اگر ناکهان لکیر رسه قیمتی بکنک لازم

قطعه ابن یمن

تختار اگر دشت اندکسے خوشی بسیار از آن خوشتر
 خردمند خاش بود چون **فند** اگر چه در دشت پراز کوهر

ول

- هیچ دانی که چه باشد عزت آزادگان
- از سه خوان لیثان دست کوتاه کردنت
- هر که این فحش دنیا زبون خویش کرد
- که بصورت مرد باشد یک در معنی زینت
- بر سه کوی قناعت گوشه باید گرفت
- نیم نانی میرسد تا نیم جانے درخت

ول

تا توانی التماس از کس کن خاصه از ناس که آن صحن خطا
 کرد بد ماندنی بر پیشش و رنداد آیت بکاشت

ز آنکه غرض بر این است

- کردش کردون دون ازادگان خسته کرد
- کودل ازاده کز دست او مجروح است
- درخت تا کی توان بودن بایست
- کرکسی را صبر آید به عمر نوح نیست

لطافت سخن از سینه تخم کین بسود

- زبان رفیق ز ابروی چشم چن بسود
- حاصل کلام لازم در که کلام رسول قاعده لطف و شرم
- حلم و قهر و مهر و غنا و انقیاد و زره بستنی اوله
- و بسط و قبض و ابرام و نقص و وعد و وعید و پیم و امید
- و اخذ و عطا و اضحاک و ابکا و رغبت و ترهیب و ترسیم
- تحزین و معیشت و شعر و منسی اوله تا جهاندار لول نامو
- و شهر یار لوق شکو بهی مرغی خانه هم اعدانک دخی
- مانی الضمیری و حال مال بد پروترو ویری استعلام
- والله اعلم

و با پان نخت اچو نذر کمین سله پنهان ایتک کرک
مواهب نعمت ایستشکار اید بچک چشم خود ناظر در
افت اهل طمع دن این اولمز اگر توایب نخت است
مخفی اولمزیه دوستلرک ملاله سبب و شامت

اعدا بهشت اولور نصیحت است

خلقی ریفراد مک خلوعه و سی ولور خلوقی او اولانک
رزقی واسع ولور و سورینه هر کیشی سامع اولور
خلقیله مدارا اگر چه سیار اما چون منفعتی جالب و مضرا
دافع اولور و حمت باج اهلنه کبر کو ستره ذلیل اولور
و اوج نشنه حیا مک خربنه لریدر کمان اسرار و صدق
و قرض و تواضع اهل اولوق آدمی الله سبحانه و تعالی
مقبول و بین الناس محبوب القلوب ایلر والله اعلم

پسند دیگر

قدر شناس و یمن کمینه ایل صحبت ایتمه و قدر و قیمتک
اکملین شخصه خدمت ایتمه زیرا امید حاصله زین شوره

و یا هر عجله کو یان اولی کسید و یا خود آب روانه
 ابد از غلغله باز من و تنک خارادن کنج کهر توقع
 ایدوب قاز من کسید **لله در قایل**
 ز پادشاه و فاجستن انجان باشد
 که میوه با طلبد از درخت سرو سی
 نهال پند ترا نیشگر نخواهد داد
 نزار بار کرا از جوی خلد آب دهی

نصیحت احسن

د فارت عبرت ماثرا کا بر حکما ده مسطور در که
 مردم آزرده به هر چند که استمال و ملائمه
 افراط اوله و دعه لطف و غایبده مبالعه قلنه
 بد کمالی دخی ترا اید اولوب نفرو تو خوشی مشد اولور
 بو تقدیر جهاندن تحرز و تحب زیاده واجب اولور
 غریز من جو آزرده کیسی مرا عاتش کن نایستوانی
 که هر چند از تو صد پیشیند مرا ورا پیش کرد بد کمانی

م

حقوق ذوی القربی بی رعایت وصله رحمی صی
 اهتم مهم و اجبات شعار اسلام در که صلح رحم
 سب مزید عمر و تندرستی و مورث سعت عیش و
 فراخ دستی در احادیث قدسیه ده وارد اولور
 که بنم صفتهم رحماند و رحم اندن شتقد و رحمتم
 بی پاینده هر کیمسه که صلح رحمی رعایت ایدر رحمته
 و اصل اولور و اولکه پیر محمد قطع رحم ایدر بحر
 رحمتدن بی بهره و بی حاصل اولور حضرت ملاک علام
 حضرت موسی علیه السلام خطاب مستطاب ایدو
 پورمش که یا موسی اقا بکه احکام و موا ایل حضرت
 موسی دخی اتمیش یارب العزه پنجه احکام اوله که موافق
 رضای شریفک اوله دیحک جناب غوذن
 خطاب کلمش که اگر غایب ایسلام و دعا ایل
 و اگر حاضر اولوب فقیر اولور

و اعطاه الله غنی اولور
 و اعطاه الله غنی اولور

Süleyman ve U Kütüphanesi

Hasan Hüsnü R

Eski Sayı 8